

پانیوم - شماره ده

ظهور و سقوط ملت‌ها: مهر شدن ۱۴۴,۰۰۰ نفر و تاریخ پیشگویانه پنهان دانیال ۱۱:۱۰-۱۶

Jeff Pippenger

2025-04-16

موضوع آیات یازدهم و دوازدهم، خیزش و سقوط پادشاه جنوب است. به همین ترتیب، خیزش و سقوط نهایی ایالات متحده - که در آیه دو در رئیس‌جمهور نهایی نشان داده شده - و نیز خیزش و سقوط نهایی سازمان ملل متحد - به‌عنوان آخرین نماینده زمینی قدرت اژدها - در آیات سه و چهار نشان داده شده است. آیات پنج تا نه تاریخ قدرت پاپی را از ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ نشان می‌دهند. ۵۳۸ نشانگر قدرت‌یابی نهاد پاپی است، ۱۷۹۸ نشانگر زخم مرگبار نهاد پاپی است، و بنابراین آیات پنج تا نه خیزش و سقوط نهایی وحش را نشان می‌دهند. آیه ده سال ۱۹۸۹ را به‌عنوان سقوط پادشاه جنوب - آن‌گونه که در اتحاد جماهیر شوروی سابق نشان داده شده - مشخص می‌کند.

هر ملتی که بر صحنه عمل ظاهر شده است، اجازه یافته که جای خود را بر روی زمین بگیرد تا معلوم شود آیا مقصود «نگهبان و قدوس» را تحقق خواهد بخشید یا نه. نبوت، ظهور و سقوط امپراتوری‌های بزرگ جهان - بابل، ماد و پارس، یونان و روم - را پی گرفته است. در هر یک از اینها، همان‌گونه که در ملت‌های کم‌قدرت‌تر نیز، تاریخ تکرار شد. هر کدام دوره‌ای برای آزمون داشت؛ هر کدام ناکام شد؛ شکوهش رنگ باخت؛ قدرتش از میان رفت؛ و جای آن را دیگری گرفت...

"از عروج و سقوط ملت‌ها، چنان‌که در صفحات کتاب مقدس آشکار شده است، باید بیاموزند که شکوه صرفاً ظاهری و دنیوی تا چه اندازه بی‌ارزش است. بابل، با همه قدرت و عظمتش - مانند آن را جهان ما هرگز از آن پس ندیده است - قدرت و عظمتی که در نظر مردم آن روزگار چنان استوار و پایدار می‌نمود - چه به‌کلی از میان رفته است! چون «گل علف» نابود شده است. هر آنچه بنیادش بر خدا نیست، چنین نابود می‌شود. تنها آنچه با مقصود او گره خورده و شخصیت او را بیان می‌کند، می‌تواند پایدار بماند. اصول او تنها امور استوار و پابرجایی هستند که جهان ما می‌شناسد." تعلیم و تربیت، 177، 184.

آیات یازده و دوازده، خیزش و سقوط نهایی پادشاه جنوب را، که روسیه نماینده آن است، مشخص می‌کنند. آیات سیزده تا پانزده، خیزش و سقوط نهایی ایالات متحده را مشخص می‌کنند. تمام روایت نبوی فصل یازدهم بر ساختار خیزش و سقوط پادشاهی‌ها بنا شده است. پژوهشگر نبوت، اگر بخواهد هرگونه امکانی برای تقسیم درست پیام نبوی فصل یازدهم داشته باشد، باید این واقعیت را در نظر بگیرد.

چشم‌انداز بنیادین باب یازدهم دانیال این است که از تصویرهای مکرر ظهور و سقوط پادشاهی‌ها تشکیل شده است. وقتی خواهر وایت گفت: «بدین‌سان پادشاهی ماد و پارس، و پادشاهی‌های یونان و روم نابود شدند»، او «یونان» را اژدها، «روم» را وحش و «ماد و پارس» را نبی کاذب معرفی می‌کند. او خیزش و سقوط نهایی آخرین پادشاهی زمینی را مشخص می‌کند؛ پادشاهی‌ای که از اژدها، وحش و نبی کاذب تشکیل شده است و آنان خیزش خود را در هنگام قانون یکشنبه آغاز می‌کنند و در تحقق مکاشفه 12:16-21، جهان را به سوی هارمجدون رهبری می‌کنند. او قوم خدا را به «ظهور و سقوط ملت‌ها چنان‌که در صفحات کتاب مقدس روشن شده است» به‌عنوان چشم‌اندازی که باید به کار گیرند تا «بیاموزند که جلال صرفاً ظاهری و دنیوی تا چه اندازه بی‌ارزش است»، هدایت می‌کند.

دلیل این که باید «بیموزیم که شکوه صرفاً ظاهری و دنیوی تا چه اندازه بی‌ارزش است»، آن است که بیشتر دریابیم هر چیزی «که بنیادش خدا نباشد» نابود می‌شود. بنابراین این که خدا بنیاد تو باشد یا نباشد، مسئله‌ای مرگ‌و‌زندگی است. در ادامه همین اندیشه، خواهر وایت سپس تعریف می‌کند که داشتن خدا به عنوان بنیاد یعنی چه، وقتی می‌گوید: «فقط آنچه با هدف او پیوند خورده و شخصیت او را بیان می‌کند، می‌تواند پایدار بماند.» او همین‌اکنون توضیح داده که هرآنچه بر بنیاد خدا نیست نابود می‌شود، و این که معیار دوگانه برای آنچه بر بنیاد بنا می‌گردد این است که چیزی «با مقاصد او گره خورده باشد» و «شخصیت او را بیان کند». شخصیت او همان بنیاد اوست.

سپس در جمله پایانی پاراگراف، او بیان می‌کند که «اصول او تنها امور پابرجایی هستند که جهان ما می‌شناسد». منش خدا همان اصول اوست، و اصولش منش او را بیان می‌کنند. اینکه بشر چگونه با خدا، به عنوان بنیان همه چیز، رابطه برقرار می‌کند، مسئله‌ای مرگ‌و‌زندگی است. من ادعا می‌کنم که ساختار بنیادین باب یازدهم دانیال بر روایت خیزش و سقوط پادشاهی‌ها بنا شده است. بخشی وجود دارد که در آن الهام، ما را از نوع صحیح مطالعه آگاه می‌کند.

نوعی مطالعه تاریخ هست که نباید نکوهیده شمرده شود. تاریخ مقدس یکی از دروس مدارس انبیا بود. در ثبت شیوه رفتار او با ملت‌ها، جای پای یهوه دیده می‌شد. پس امروز نیز باید به نحوه رفتار خدا با ملت‌های زمین بنگریم. باید در تاریخ تحقق نبوت را ببینیم، کارکردهای مشیت الهی را در جنبش‌های بزرگ اصلاحی مطالعه کنیم، و روند رویدادها را در صف‌آرایی ملت‌ها برای نبرد نهایی مناقشه عظیم درک کنیم. خدمت شفا، ۴۴۱.

مطالعه تقدیس‌شده تاریخ چنین تعریف می‌شود: مطالعه نحوه رفتار خدا با ملت‌های زمین و نیز هدایت مشیتی او در جنبش‌های اصلاحی‌اش؛ از این رو، تاریخ تقدیس‌شده شامل یک خط بیرونی و یک خط درونی مطالعه است. هدف از به‌کارگیری تاریخ برای تأیید کلام نبوی خدا این است که از آن تاریخ نبوی استفاده شود تا «روند پیشرفت رویدادها در صف‌آرایی ملت‌ها برای نبرد نهایی مناقشه بزرگ» فهمیده شود. پاراگراف پیشین از خواهر وایت برگرفته از توضیحی بسیار روشن‌گر درباره ضرورت ساختن الگویی نبوی از تاریخ مقدس است که بر ساختاری بنیادین استوار است که در «ظهور و سقوط» پادشاهی‌ها نمایانده شده است.

برای آمادگی جهت خدمت مسیحی، بسیاری بر این باورند که کسب دانشی گسترده از نوشته‌های تاریخی و الهیاتی ضروری است. می‌پندارند این دانش در تعلیم انجیل به آنان یاری خواهد رساند. اما مطالعه پرزحمت آرای انسان‌ها بیشتر به تضعیف خدمت‌شان می‌انجامد تا به تقویت آن. وقتی کتابخانه‌هایی را می‌بینم که از مجلدات سنگین دانش تاریخی و الهیاتی انباشته شده‌اند، با خود می‌اندیشم: چرا برای آنچه نان نیست پول خرج کنیم؟ فصل ششم یوحنا بیش از آنچه در چنین آثاری یافت می‌شود به ما می‌آموزد. مسیح می‌گوید: «من نان حیات هستم: هر که نزد من آید، هرگز گرسنه نخواهد شد؛ و هر که به من ایمان آورد، هرگز تشنه نخواهد شد.» «من نان زنده‌ای هستم که از آسمان فرود آمده‌ام؛ اگر کسی از این نان بخورد، تا ابد زنده خواهد ماند.» «هر که به من ایمان آورد، حیات جاودان دارد.» «خنانی که به شما می‌گویم، روح‌اند و حیات‌اند.» یوحنا ۶:۳۵، ۴۷، ۴۸، ۵۱.

گونه‌ای از مطالعه تاریخ هست که نباید محکوم شود. تاریخ مقدس یکی از درس‌های مدارس انبیا بود. در ثبت نحوه برخورد او با قوم‌ها، رد پای یهوه نمایان بود. پس امروز نیز باید برخوردهای خدا با قوم‌های زمین را در نظر آوریم. باید در تاریخ تحقق نبوت را ببینیم، کار مشیت الهی را در جنبش‌های بزرگ اصلاحی مطالعه کنیم، و سیر حوادث را در صف‌آرایی قوم‌ها برای نبرد نهایی منازعه عظیم درک کنیم.

چنین مطالعه‌ای دیدگاه‌هایی گسترده و جامع نسبت به زندگی به ما می‌بخشد. به ما کمک خواهد کرد تا حدودی روابط و وابستگی‌های آن را درک کنیم، این‌که چگونه به طریقی شگفت‌انگیز در برادری بزرگ جامعه و ملت‌ها به هم پیوسته‌ایم، و این‌که ستم و خوارشدگی یک عضو تا چه اندازه به زیان همه تمام می‌شود.

اما تاریخ، آن‌گونه که معمولاً مطالعه می‌شود، معطوف به دستاوردهای انسان، پیروزی‌های او در نبرد و موفقیتش در دستیابی به قدرت و عظمت است. نقش خدا در امور انسان‌ها از نظر پنهان می‌ماند. اندکی تحقق مقصود او را در ظهور و سقوط ملت‌ها مطالعه می‌کنند.

و تا حد زیادی، الهیات، آن‌گونه که مطالعه و تدریس می‌شود، چیزی جز ثبت و ضبط حدس و گمان‌های انسانی نیست که تنها به کار «تیره کردن مشورت با سخنانی بی‌دانش» می‌آید. بسیار اوقات انگیزه انباشتن این همه کتاب نه چندان میل به به دست آوردن خوراکی برای ذهن و جان است، بلکه جاه‌طلبی آشنا شدن با فیلسوفان و الهی‌دانان است؛ خواستی برای عرضه مسیحیت به مردم در قالب اصطلاحات و گزاره‌های عالمانه.

همه کتاب‌هایی که نوشته شده‌اند نمی‌توانند در خدمت هدف زندگی مقدس باشند. «از من بیاموزید»، گفت آن آموزگار بزرگ، «یوغ مرا بر خود بگیرید»، «فروتنی و افتادگی مرا بیاموزید.» غرور فکری شما در برقراری ارتباط با نفوسی که به سبب فقدان نان حیات در حال هلاکت‌اند، به شما یاری نخواهد کرد. در مطالعه این کتاب‌ها اجازه می‌دهید که جای درس‌های عملی‌ای را که باید از مسیح بیاموزید بگیرند. با نتایج این مطالعه، مردم اطعام نمی‌شوند. پژوهشی که این چنین ذهن را فرسوده می‌کند، به ندرت چیزی فراهم می‌آورد که به انسان کمک کند تا کارگری موفق برای نفوس باشد.

نجات‌دهنده آمد «تا به فقیران بشارت دهد.» لوقا ۱۸:۴. در تعلیم خود ساده‌ترین عبارات و روشن‌ترین نمادها را به کار برد. و گفته شده است که «عامه مردم با خوشی به او گوش می‌دادند.» مرقس ۱۲:۳۷. آنان که می‌کوشند در این زمان کار او را انجام دهند، به بینشی عمیق‌تر در درس‌هایی که او داده است نیاز دارند.

«سخنان خدای زنده برترین همه آموزش‌ها هستند. کسانی که به مردم خدمت می‌کنند، نیاز دارند که از نان حیات بخورند. این به آنان قدرت روحانی خواهد داد؛ آنگاه برای خدمت به همه اقشار مردم آماده خواهند شد.» خدمت شفا، ۴۴۱-۴۴۳.

خواهر وایت همچنین تبیین می‌کند که شناخت ظهور قدرت خدا در نصب پادشاهان و عزل آنان بر اساس انتخاب‌های همان پادشاه، فلسفه حقیقی مطالعه تاریخ است.

در تاریخ ملت‌ها، پژوهنده کلام خدا می‌تواند تحقق عینی نبوت الهی را به چشم ببیند. بابل، که سرانجام درهم‌شکسته و نابود شد، از میان رفت زیرا فرمانروایانش در رفاه خود را بی‌نیاز از خدا پنداشتند و شکوه پادشاهی‌شان را به دستاوردهای انسانی نسبت دادند. قلمرو ماد و پارس گرفتار خشم آسمان شد، زیرا در آن شریعت خدا زیر پا نهاده شده بود. ترس از خدا در دل‌های اکثریت عظیم مردم جای نداشت. شرارت، کفرگویی و فساد حکم فرما بود. پادشاهی‌هایی که پس از آن آمدند، حتی پست‌تر و فاسدتر بودند؛ و این‌ها در مقیاس ارزش اخلاقی هرچه پایین‌تر فرو رفتند.

قدرتی که هر حاکم بر روی زمین اعمال می‌کند از سوی آسمان عطا شده است؛ و کامیابی او به نحوه به‌کارگیری این قدرت بخشیده شده بستگی دارد. به هر یک، کلام ناظر الهی این است: «من تو را کمر بستم، هرچند مرا نشناختی.» اشعیا ۴۵:۵. و برای هر کس، سخنانی که روزگاری به نبوکدنصر گفته شد، درس زندگی است: «گناهانت را با عدالت بشکن، و تبهکاری‌هایت را با رحم

آوردن بر فقیران؛ باشد که دوام آرامش تو افزون گردد.» دانیال 4:27.

فهمیدن این امور—فهمیدن اینکه «عدالت ملتی را سرافراز می‌سازد»؛ اینکه «تخت به عدالت استوار می‌گردد» و «به رحمت برقرار می‌ماند»؛ شناخت تحقق این اصول در تجلی قدرت او که «پادشاهان را عزل و نصب می‌کند»—این است درک فلسفه تاریخ. امثال سلیمان ۱۴:۳۴؛ ۱۶:۱۲؛ ۲۸:۲۰؛ دانیال ۲:۲۱.

«فقط در کلام خداست که این موضوع به روشنی بیان شده است. در اینجا نشان داده می‌شود که نیروی ملت‌ها، همچون افراد، در فرصت‌ها یا امکاناتی که به نظر می‌رسد آنان را شکست‌ناپذیر می‌سازد یافت نمی‌شود؛ در بزرگی‌ای که بدان می‌بالند نیز نیست. معیار آن، وفاداری آنان در به انجام رساندن مقصود خداست.» انبیا و پادشاهان، ۵۰۱، ۵۰۲.

موضوع آیات یازده و دوازده، برآمدن و فروافتادن پادشاه جنوب است؛ اما مهم‌تر از آن، این آیات نشان می‌دهند که یکصد و چهل و چهار هزار مهر می‌شوند و به آزمون دوم از میان سه آزمونی اشاره دارند که در زمان پایان در سال ۱۹۸۹ آغاز شدند، همان‌گونه که در آیه ده آمده است.

آن مهر شدن با این نمونه‌ها نشان داده شده است: دانیال در لانه شیران، سه جوان عبرانی در کوره آتش، دانیال و همان سه جوان که برای فهمیدن خواب نبوکدنصر از تصویر حیوانات در فصل دوم دعا می‌کنند، دانیال که در فصل نهم دعای فصل بیست‌وششم لاویان را می‌خواند، خردمندی که افزایش دانش را درک می‌کنند، یهوشع که گناهِش در زکریا فصل سوم از او برداشته می‌شود، زربابل در فصل چهارم، یوسف که در مصر دومین حاکم می‌شود، شاگردان که به مدت ده روز در بالاخانه پیش از پنطیکاست می‌مانند، پیروان میلر در گردهمایی اردوگاهی اکستر، لعازر که در ورود ظفرمندان پیشاپیش جمع حرکت می‌کند، و صد و چهل و چهار هزار نفر در مکاشفه فصل هفتم.

آیه یازده در سال ۲۰۱۴، در آغاز جنگ اوکراین، فرا رسید و در ژوئیه ۲۰۲۳ آزمون بصری، که در آن قوم خدا «سفید ساخته می‌شوند»، آغاز شد. خط پنجم در باب یازده، آیات سیزده تا پانزده است.

نمای کلی خط پنجم

زیرا پادشاه شمال بازخواهد گشت و سپاهی بزرگ‌تر از نخستین بسیج خواهد کرد، و بی‌گمان پس از چند سال با لشکری عظیم و ثروتی فراوان خواهد آمد. و در آن زمان بسیاری بر ضد پادشاه جنوب برخوانند خاست؛ نیز غارتگران قوم تو خود را برای تحقق بخشیدن رؤیا برخوانند افراشت، اما فرو خواهند افتاد. پس پادشاه شمال خواهد آمد و خاکریز محاصره برخواند افراشت و محصن‌ترین شهرها را خواهد گرفت؛ و قوای جنوب تاب مقاومت نخواهند آورد، نه نیروهای برگزیده‌اش، و هیچ نیرویی برای ایستادگی نخواهد بود. دانیال ۱۱:۱۳-۱۵.

این آیات در سال ۲۰۰ پیش از میلاد تحقق یافتند و نبرد پانیوم را، که پادشاهان متخاصم و اتحادهایشان را دربر می‌گیرد، مشخص می‌کنند؛ و همین آیات نیز نقطه‌ای در تاریخ‌اند که در آن روم بت‌پرست برای نخستین بار در تاریخ باب یازدهم دانیال اعلام حضور کرد. این آیات هم خیزش و سقوط نهایی ششمین پادشاهی پیشگویی کتاب مقدس را شامل می‌شوند و هم تاریخ کتاب مقدسی دیدار مسیح از قیصریه فیلیپی را، جایی که پطرس مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر را تعیین می‌کند. این تاریخ، مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر را با فرارسیدن آزمون سوم از سه آزمون باب دوازدهم، یعنی «پاک شدن، سفید شدن و آزموده شدن»، نمونه‌وار می‌نمایاند.

این سه آیه به آیه شانزدهم منتهی می‌شوند که در آن قانون یکشنبه در ایالات متحده به تصویر کشیده می‌شود. وقتی اجتماع اردوگاهی اکستر در ۱۷ اوت ۱۸۴۴ پایان یافت، دوشیزگان دانا پیام

«فریاد نیمه‌شب» را در مدت شصت و شش روز در سراسر سواحل شرقی ایالات متحده رساندند. دوره‌ای هست که همه دوشیزگان بیدار می‌شوند و یک گروه روغن ندارند، و هرآنچه که آن را مشخص می‌کند. وقتی نام شمعون بریونا به پطرس تغییر یافت، مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار مشخص می‌شود. از آن پس، عیسی شروع کرد تا شاگردان را درباره رویدادهای مرتبط با صلیب تعلیم دهد.

صلیب نماد پایان دوران آزمایش است و ویلیام میلر، که یوحنا تعمیددهنده نماد او بود و خود یوحنا نیز نمادش الیاس بود، برانگیخته شد تا «رویدادهای مرتبط با پایان دوران آزمایش» را همان‌گونه که یوحنا تعمیددهنده و الیاس هر دو چنین کردند، بیان کند. یوحنا این‌گونه گفت.

اما چون دید بسیاری از فریسیان و صدوقیان برای تعمید او آمده‌اند، به ایشان گفت: ای افعی‌زادگان، چه کسی شما را هشدار داد که از خشم در راه بگریزید؟ متی 3:7

ایلیا این‌گونه گفت.

و آخاب آشیره‌ای برافراشت؛ و آخاب بیش از همه پادشاهان اسرائیل که پیش از او بودند، خداوند، خدای اسرائیل را به خشم آورد. در ایام او، حیئل اهل بیت‌ئیل آریحا را بنا کرد: پی آن را با آبیرام نخست‌زاده‌اش نهاد و دروازه‌هایش را با سگوب کوچک‌ترین پسرش برافراشت، مطابق کلام خداوند که به وسیله یوشع بن نون گفته بود. و ایلیای تشبی، که از ساکنان جلعاد بود، به آخاب گفت: به حیات خداوند، خدای اسرائیل، که در حضور او می‌ایستم، در این سال‌ها نه شبنم خواهد بود و نه باران، جز مطابق کلام من. اول پادشاهان 17:1-16:33

خواهر وایت درباره کار ویلیام میلر به‌عنوان یک مصلح نوین چنین گفت:

لازم بود که مردم از خطر خویش آگاه شوند و برانگیخته شوند تا خود را برای وقایع خطیر مرتبط با پایان دوره آزمایش آماده کنند.

آخرین شش‌آیه فصل یازدهم دانیال، بیانگر «وقایع مرتبط با پایان دوران آزمایشی» هستند. آن وقایع در وقت آخر، در سال ۱۹۸۹، مهرشان برداشته شد و به‌وضوح آشکار شدند.

پیش از مصلوب شدن، نجات‌دهنده به شاگردان خود توضیح داد که باید کشته شود و از قبر برخیزد، و فرشتگان حاضر بودند تا سخنان او را بر ذهن‌ها و دل‌ها نقش کنند. اما شاگردان در پی رهایی موقتی از یوغ روم بودند و نمی‌توانستند تحمل کنند که همان کسی که همه امیدهایشان بر او متمرکز بود به مرگی ننگین دچار شود. سخنانی که می‌بایست به یاد بسپارند از یادشان رخت بریست؛ و هنگامی که زمان آزمایش فرا رسید، آنان را ناآماده یافت. مرگ عیسی امیدهای ایشان را چنان به کلی بر باد داد که گویی هرگز از پیش به آنان هشدار نداده بود. همچنین در نبوت‌ها، آینده به همان روشنی پیش روی ما گشوده شده است که به واسطه سخنان مسیح برای شاگردان گشوده شد. رویدادهایی که با پایان مهلت فیض و کار آماده‌سازی برای زمان تنگی پیوند دارند، به‌وضوح بیان شده‌اند. اما جمع‌کنندگی از این حقایق مهم چیزی بیش از آن نمی‌فهمند که گویی هرگز بر آنان مکشوف نشده باشد. شیطان در کمین است تا هر اثری را که می‌تواند ایشان را برای نجات حکیم سازد، برباید؛ و زمان تنگی آنان را ناآماده خواهد یافت. نبرد عظیم، ۵۹۵.

در قیصریه فیلیپی، یعنی پانیوم، یعنی آیات سیزده تا پانزده، بود که مسیح شروع کرد به تعلیم دادن درباره صلیب به شاگردانش، و بدین‌سان تاریخ گردهمایی اردوگاهی اکستر را تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به صورت تمثیلی نشان می‌داد. در آغاز جنبش اصلاحی یکصد و چهل و چهار هزار، «وقایعی که به پایان مهلت فیض مربوط‌اند» مهرگشایی شدند و در پایان جنبش یکصد و چهل و چهار هزار، «وقایعی که به پایان مهلت فیض مربوط‌اند» در درون تاریخ پنهان آیه چهل مهرگشایی می‌شوند.

«امروز، در روح و قدرت ایلیا و یحیی تعمیددهنده، فرستادگانی منصوب از سوی خدا توجه جهانی در آستانه داوری را به رویدادهای خطیری که به زودی در ارتباط با ساعات پایانی دوره مهلت و ظهور عیسی مسیح به عنوان پادشاه پادشاهان و خداوند خداوندان رخ خواهند داد، جلب می‌کنند.» پیامبران و پادشاهان، ۷۱۵، ۷۱۶.

«رویدادهای مرتبط با خاتمه مهلت آزمایشی» همان رویدادهایی هستند که در تاریخ پنهان آیه چهل مهرشان گشوده می‌شود. در زکریا باب سوم، صحنه‌های پایانی داوری تفتیشی به تصویر کشیده شده است. الهام، شهادت زکریا را با کسانی که در حزقیال باب نهم مهر می‌شوند، پیوند می‌دهد.

مردم خدا برای پلیدی‌هایی که در این سرزمین انجام می‌شود آه می‌کشند و می‌گیرند. با اشک، بدکاران را از خطری که در پایمال کردن شریعت الهی در کمینشان است برحذر می‌دارند و با اندوهی وصف‌ناپذیر، به سبب گناهان خود در برابر خداوند فروتن می‌شوند. بدکاران اندوه آنان را مسخره می‌کنند، تذکرات جدی‌شان را به ریشخند می‌گیرند و به آنچه «ضعف»‌شان می‌خوانند نیشخند می‌زنند. اما رنج و فروتنی مردم خدا نشانه‌ای تردیدناپذیر است از این‌که آنان نیرو و شرافت منش از دست‌رفته‌شان را که پیامد گناه بود، باز می‌یابند. از آن‌رو که به مسیح نزدیک‌تر می‌شوند و چشمانشان بر پاکی کامل او دوخته است، گناه‌آلودگی بی‌نهایت گناه را چنین آشکارا تشخیص می‌دهند. شکستگی دل و خودفروتنی آنان در نظر خدا بی‌نهایت مقبول‌تر است از روحیه‌ی خودبسنده و متکبر کسانی که هیچ دلیلی برای سوگواری نمی‌بینند، فروتنی مسیح را خوار می‌شمارند و در حالی که شریعت مقدس خدا را زیر پا می‌گذارند، ادعای کمال می‌کنند. حلم و فروتنی دل، شرط دستیابی به نیرو و پیروزی‌اند. تاج جلال در انتظار آنان است که در پای صلیب سر فرود می‌آورند. خوشبختانه حال این سوگواران، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت.

مؤمنان دعاگو، گویی با خدا در خلوت محصورند. خودشان نمی‌دانند تا چه اندازه در امان‌اند. با تحریک شیطان، حاکمان این جهان در پی نابودی‌شان‌اند؛ اما اگر چشمانشان گشوده می‌شد، همان‌گونه که چشمان خادم البشع در دوثان گشوده شد، می‌دیدند که فرشتگان خدا گرداگردشان اردو زده‌اند و با روشنایی و جلال خویش سپاهیان تاریکی را مهار می‌کنند.

هنگامی که قوم خدا در حضور او جان‌های خود را فروتن می‌سازند و برای پاک‌ی دل التماس می‌کنند، فرمان صادر می‌شود: «جامه‌های پلید را از آنان برگزید»، و سخنان دلگرم‌کننده‌ای گفته می‌شود: «اینک، گناهت را از تو برداشته‌ام و تو را به جامه‌ای نو خواهم پوشانید.» جامه بی‌لک عدالت مسیح بر فرزندان آزموده و وسوسه‌شده، اما وفادار خدا پوشانده می‌شود. باقی‌ماندگان خوارشمرده به جامه‌های پر جلال آراسته می‌گردند و دیگر هرگز به آلودگی‌های جهان آلوده نخواهند شد. نام‌هایشان در دفتر حیات بره محفوظ می‌ماند و در شمار وفاداران همه اعصار ثبت می‌شود. آنان در برابر نیرنگ‌های آن فریبنده ایستادگی کرده‌اند؛ غرش اژدها آنان را از وفاداری‌شان برنگردانده است. اکنون ایشان تا ابد از تدابیر وسوسه‌گر در امان‌اند. گناهانشان به آغازگر گناه منتقل می‌شود. و باقی‌ماندگان نه تنها آمرزیده و پذیرفته می‌شوند، بلکه اکرام نیز می‌گردند. «عمامة پاکیزه‌ای» بر سر آنان نهاده می‌شود. آنان همچون پادشاهان و کاهنان برای خدا خواهند بود. در حالی که شیطان بر اتهامات خویش اصرار می‌ورزید و در پی نابود کردن این گروه بود، فرشتگان مقدس، نادیده، در رفت‌وآمد بودند و مهر خدای زنده را بر آنان می‌نهادند. این همانان‌اند که با بره بر کوه صهیون ایستاده‌اند و نام پدر بر پیشانی‌هایشان نوشته شده است. آنان در برابر تخت، سرود تازه را می‌سرایند؛ آن سرودی که جز آن صد و چهل و چهار هزار نفری که از زمین خریدار شده‌اند، هیچ‌کس نمی‌تواند آن را بیاموزد. «این همانان‌اند که هر جا بره برود، او را پیروی می‌کنند. اینان از میان آدمیان خریدار شده‌اند، به‌عنوان نویر برای خدا و برای بره. و در دهان ایشان حيله‌ای یافت نشد، زیرا که در برابر تخت خدا بی‌عیب‌اند.»

اکنون تحقق کامل آن سخنان فرشته فرا رسیده است: «اکنون بشنو، ای یوشع کاهن اعظم، تو و یارانت که پیش روی تو نشسته‌اند؛ زیرا آنان مردانی مایه شگفتی‌اند؛ زیرا اینک، بندهام «شاخه» را برمی‌انگیزم.» مسیح به‌عنوان فادی و رهاننده قوم خود مکشوف می‌گردد. اکنون در حقیقت، باقی‌ماندگان «مردانی مایه شگفتی» هستند، زیرا اشک‌ها و خواری سفر زیارتی‌شان جای خود را به شادی و کرامت در حضور خدا و بره می‌دهد. «در آن روز شاخه خداوند زیبا و پرچال خواهد بود، و ثمره زمین برای نجات‌یافتگان اسرائیل عالی و دلپسند خواهد شد. و چنین خواهد شد که هر که در صهیون باقی بماند و هر که در اورشلیم بماند، مقدس خوانده خواهد شد؛ یعنی هر که در میان زندگان اورشلیم نوشته شده است.» شهادت، جلد ۵، ۴۷۴-۴۷۶.

یکصد و چهل و چهار هزار نفر در کتاب مکاشفه همان گروه حزقیال هستند که وقتی برای رجاسات موجود در سرزمین «ناله و زاری» می‌کنند، «مهر» می‌شوند. آنان زمانی مهر می‌شوند که جامه پارسایی مسیح و عمامه‌ای پاکیزه به ایشان داده می‌شود که نماد «پادشاهان و کاهنان» پطرس است؛ کسانی که قوم خدا نبودند، اما اکنون قوم خدا شده‌اند.

اما شما نسل برگزیده، کھانت پادشاهی، قومی مقدس و مردمی خاص هستید، تا ستایش‌های او را که شما را از تاریکی به نور شگفت‌انگیزش فراخوانده است، اعلام کنید. شما که در گذشته قومی نبودید، اما اکنون قوم خدا هستید؛ شما که رحمتی نیافته بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید. ای عزیزان، شما را چون غریبان و مسافران التماس می‌کنم از خواهش‌های نفسانی که با جان می‌جنگد دوری کنید؛ رفتار خود را در میان امت‌ها نیکو نگاه دارید تا هرچند شما را بدکار می‌خوانند، با دیدن اعمال نیکوی شما، خدا را در روز تفقد تمجید کنند. اول پطرس ۲:۹-۱۲

پس اکنون، اگر به‌راستی به آواز من گوش فرا دهید و عهد مرا نگاه دارید، آن‌گاه برای من از میان همه قوم‌ها گنجی خاص خواهید بود، زیرا تمامی زمین از آن من است؛ و شما برای من پادشاهی‌ای از کاهنان و امتی مقدس خواهید بود. اینها سخنانی است که باید به بنی‌اسرائیل بگویید. خروج ۱۹:۵، ۶.

در روزهای آخر تاریخ این زمین، عهد خدا با قوم حافظ احکام او تجدید خواهد شد. «در آن روز برای ایشان با وحوش صحرا و مرغان آسمان و جنبنندگان زمین عهدهی خواهم بست؛ و کمان و شمشیر و جنگ را خواهم شکست و از زمین دور خواهم کرد، و ایشان را در امن و امان ساکن خواهم ساخت. و تو را تا ابد به خود نامزد خواهم کرد؛ بلی، تو را در عدالت و انصاف و محبت و رحمت‌ها به خود نامزد خواهم کرد. بلکه تو را در وفاداری به خود نامزد خواهم کرد؛ و تو خداوند را خواهی شناخت.»

«و در آن روز چنین خواهد شد: خداوند می‌گوید، اجابت خواهم کرد؛ آسمان‌ها را اجابت خواهم کرد و آنان زمین را اجابت خواهند کرد؛ و زمین غله و شراب و روغن را اجابت خواهد کرد؛ و آنان یزرعیل را اجابت خواهند کرد. و او را برای خود در زمین خواهم کاشت؛ و بر آن که رحمت نیافته بود رحم خواهم کرد؛ و به آنان که قوم من نبودند خواهم گفت: شما قوم منید؛ و آنان خواهند گفت: تو خدای منی.» هوشع ۱۴:۲-۲۳.

«در آن روز، ... بازماندگان اسرائیل و آنان که از خاندان یعقوب رهایی یافته‌اند، ... به‌راستی بر خداوند، قدوس اسرائیل، توکل خواهند کرد.» اشعیا ۱۰:۲۰. از «هر قوم و قبیله و زبان و ملت» کسانی خواهند بود که با خوشی به این پیام پاسخ دهند: «از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است.» آنان از هر بتی که ایشان را به این زمین می‌بندد روی خواهند گرداند و «او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را ساخته است پرستش خواهند کرد.» خود را از هر قید و بندی آزاد خواهند کرد و در برابر جهان همچون نمادهای رحمت خدا خواهند ایستاد. مطیع هر فرمان الهی، از سوی فرشتگان و انسان‌ها شناخته خواهند شد به‌عنوان کسانی

که «فرامین خدا را نگاه می‌دارند و ایمان عیسی را.» مکاشفه ۶:۱۴-۷، ۱۲.

'اینک، روزها می‌رسد، می‌گوید خداوند، که شخم‌زن دروگر را درخواهد رسید، و پا کوبنده انگور نیز بذرکار را درخواهد رسید؛ و کوه‌ها شراب شیرین فرو خواهند چکاند، و همه تپه‌ها ذوب خواهند شد. و اسارت قوم خود اسرائیل را باز خواهم آورد، و ایشان شهرهای ویران را بنا خواهند کرد و در آنها ساکن خواهند شد؛ و تاکستان‌ها خواهند کاشت و از شراب آنها خواهند نوشید؛ نیز باغ‌ها خواهند ساخت و از میوه آنها خواهند خورد. و ایشان را بر سرزمینشان خواهم کاشت، و دیگر از زمینی که به ایشان داده‌ام از ریشه کنده نخواهند شد، می‌گوید خداوند، خدای تو. عاموس ۹:۱۳-۱۵. ریویو اند هرالد، ۲۶ فوریه ۱۹۱۴.

آشکار است که از زمانی که آخرین نسل برگزیده از آن صد و چهل و چهار هزار نفر مهر می‌شوند، هنوز غیریهودییانی هستند که در روز تفتیش غیریهودیان می‌توانند تحت تأثیر سبک زندگی (سلوک) آن صد و چهل و چهار هزار نفر قرار گیرند.

قدرت و توان انسانی کلیسای خدا را بنا نکردند، و نمی‌توانند آن را نابود کنند. کلیسا نه بر صخره قوت انسانی، بلکه بر مسیح عیسی، صخره اعصار، بنا شد: «و دروازه‌های دوزخ بر آن چیره نخواهند شد.» متی ۱۸:۱۶. حضور خدا به کار او ثبات می‌بخشد. «بر شاهزادگان توکل مکنید و نه بر آدمیزاد»، این است کلامی که به ما می‌رسد. مزمور ۳:۱۴۶. «در آرامش و اطمینان، قوت شما خواهد بود.» اشعیا ۱۵:۳۰. کار پرچال خدا، که بر اصول جاودان حق بنا شده است، هرگز به نابودی نخواهد انجامید. این کار از قوتی به قوتی دیگر پیش خواهد رفت: «نه به زور و نه به قدرت، بلکه به روح من، می‌گوید خداوند لشکرها.» زکریا ۴:۶.

"این وعده که «دستان زریابل بنیاد این خانه را نهاده‌اند؛ دستان او آن را نیز به پایان خواهند رساند»، عیناً تحقق یافت. آیه ۹. «مشایخ یهود بنا کردند و به واسطه نبوت جحی نبی و زکریا پسر عدو کامیاب شدند. و بنا کردند و آن را به پایان رسانیدند، مطابق فرمان خدای اسرائیل و مطابق فرمان کوروش و داریوش و اردشیر، پادشاه پارس. و این خانه در روز سوم ماه آدار [ماه دوازدهم]، که در سال ششم سلطنت داریوش پادشاه بود، تمام شد.» عزرا ۶:۱۴، ۱۵. "پیامبران و پادشاهان، ۵۹۵، ۵۹۶.

آیات سیزده تا پانزده نمایانگر رویدادهای نبوی‌ای هستند که به پایان دوره مهلت برای سبت‌نگهداران در زمان قانون یک‌شنبه منتهی می‌شوند. همچنین، این آیات سومین مرحله از سه مرحله آیه ده باب دوازدهم کتاب دانیال را نشان می‌دهند. آیه ده «تطهیر» است، آیات یازده و دوازده نمایانگر «سفید ساخته شدن» هستند و آیات سیزده تا پانزده «محک» را نشان می‌دهند که در آن باکره‌های سبت‌نگهدار «آزموده» می‌شوند.

پیام درونی در کتاب دانیال با رؤیای رودخانه اولای در باب‌های هفت تا نه نمایانده می‌شود و پیام بیرونی با رؤیای رودخانه هیدکل در باب‌های ده تا دوازده نمایانده می‌شود. باب دوازده اوج هر دو رؤیای درونی و بیرونی است و روشی را ارائه می‌کند که در آن مسیح یکصد و چهل و چهار هزار را برپا می‌دارد و پاک می‌سازد. آیات ده تا شانزده نمایانگر تاریخ پنهان آیه چهل از سال ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه آیه‌های چهل و یک و شانزده هستند. آیاتی که در تاریخ پنهان می‌گنجند، تحقق کامل آیه ده باب دوازده را نشان می‌دهند.

بسیاری پاک خواهند شد، سفید خواهند شد و آزموده خواهند شد؛ اما شیریان شرارت خواهند ورزید، و هیچ‌یک از شیریان نخواهند فهمید؛ اما خردمندان خواهند فهمید. و از زمانی که قربانی دائمی برداشته شود و رجس ویرانگر برپا گردد، هزار و دویست و نود روز خواهد بود. خوشا به حال کسی که انتظار بکشد و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد. دانیال ۱۰:۱۲-۱۲.

«داناپان»ی که آیات ده تا شانزده را می‌فهمند و هم از نظر «فکری» و هم از نظر «روحانی» مهر شده‌اند، همان کسانی‌اند که پیام نبوتی بیرونی نمایانده‌شده در تاریخ پنهان آیهٔ چهل را درمی‌یابند، و آنان پیش از قانون یکشنبه از نظر «فکری» در آن فهم مستقر شده‌اند. «داناپان» کسانی‌اند که به‌واسطهٔ پیام درونی نمایانده‌شده در مکاشفه، باب یازدهم، آیهٔ یازدهم دگرگون شده‌اند و پیش از قانون یکشنبه در آن تجربه استقرار یافته‌اند.

«خردمندان» کسانی‌اند که «برکتی» را که با «انتظار» پیوند دارد دریافت کرده‌اند، و این امر یکصد و چهل و چهار هزار را به‌عنوان کسانی نشان می‌دهد که تحقق کامل و نهایی ده باکره را به انجام می‌رسانند. مکاشفه، باب یازده، آیهٔ یازده در ژوئیهٔ ۲۰۲۳ فرا رسید و بدین‌سان «زمان پایان» را نشان داد؛ هنگامی که دانیال و مکاشفه با دو شاهد گواهی می‌دهند که افزایش شناختی که مهر آن در ژوئیهٔ ۲۰۲۳ گشوده شد، فرایند مهر و موم کردن یکصد و چهل و چهار هزار را مشخص می‌کند. یازده به‌علاوهٔ یازده مساوی بیست‌ودو است که نمادی از ترکیب الوهیت با انسانیت است، و آنان که از فرایند سه‌مرحله‌ای تطهیر که یکصد و چهل و چهار هزار را پدید می‌آورد عبور می‌کنند، در دانیال، باب دوازده، آیهٔ دوازده شناخته می‌شوند و این امضای دیگری از پلمونی است، زیرا دوازده ضرب در دوازده برابر با یکصد و چهل و چهار هزار است.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.